



۱۰ اکتوبر سال ۲۰۱۹

طارق "ارسلانی"

## جنگ میوند: علل و پیامد های آن

### "بخش پنجم"

#### لشکر کشی دوم انگلیس و اشغال کابل،

قتل "کیوناری" موجی از خشم و حیرت را از "سمله" تا لندن فرستاد. این موضوع خاصاً صدمه شدیدی به حیثیت و آبروی "لارد لیتن" که طراح اصلی لشکر کشی قبلی به افغانستان و استقرار "کیوناری" در کابل بود، وارد نمود. "لارد لیتن" به سرعت دست به کار شد و "دیزرائیلی" را متقاعد نمود که یگانه چیزی که حیثیت انگلیس را دوباره اعاده میتواند اشغال کابل است. برای پیشبرد این مأموریت شخص مناسبتری از "جنرال رابرتس" برای "لارد لیتن" نبود زیرا موصوف هم از نگاه نظامی شخص ورزیده بود، هم با اراضی بلدیته داشت، و مهمتر از همه شدیداً تشنه انتقام از افغانها بود. در این موقع "جنرال رابرتس" تازه به سمله رسیده و ایام رخصتی را سپری مینمود. چند ساعت بعد از رسیدن خبر قتل "کیوناری هیأت نظامی در سمله تشکیل گردید و به "جنرال مسی" Gen. Massy، که در غیاب جنرال "رابرتس" قومندان قوای انگلیس در "گرم" بود، هدایت داده شد تا قوای خود را به جلو حرکت دهد. "جنرال مسی" بتاريخ یازدهم سپتامبر کونل "شتر گردن" را تصرف نمود و منتظر هدایات گردید. به "جنرال برایت" Maj. Gen. Bright (که بجای جنرال "برون" قومندان قوای خیر تعیین گردیده بود) وظیفه داده شد تا با ۴۶۰۰ نفر از طریق دره خیبر جلال آباد را تصرف نماید؛ همچنان به "جنرال ستیوارت" که تازه قندهار را تخلیه نموده بود هدایت داده شد تا با قوای ۹۰۰۰ نفری خود دوباره قندهار را اشغال نماید. "جنرال رابرتس" بتاريخ ۶ سپتامبر با هدایات خاص از جانب شخص "لارد لیتن" از سمله حرکت و بتاريخ ۱۲ سپتمبر ۱۸۷۹ (مطابق ۲۵ رمضان ۱۲۹۶) به "علی خیل" رسید. هدایات "لارد لیتن" نشان دهنده اعمال وحشت و بربریت قوای هند برتانوی میباشد که سرانجام بعد از سقوط دولت محافظه کار در انگلستان همین سند باعث افول ستاره اقبال "وایسرا" گردید. در قسمتی از هدایات "لارد لیتن" به "جنرال رابرتس" توصیه گردیده است که: "تو نمیتوانی سر دسته های محرکین را به میل خود انتخاب کنی... هر عسکر قوای هرات و هر فرد ملکی که در اغتشاش سهم گرفته بود خواه ملا، خواه کسبه کار، و خواه دهقان به نحوی مجرم تلقی میگردد... وظیفه تو ایجاد وحشت است و آنها با سرعت و شدت آن (۱)".

"جنرال رابرتس" زمانی که در "علی خیل" بود مکتوبی به کابل فرستاد و از قصد دولت هند بریتانوی به "امیر محمد یعقوب خان" اطلاع داد. بتاريخ ۲۳ سپتامبر مستوفی حبیب الله خان و وزیر شاه محمد خان حاوی پیام امیر

محمد یعقوب خان خود را در "علی خیل" نزد "جنرال رابرتس" رساندند (بقول سراج التواریخ نمایندگان امیر در "خوشی" به نزد "رابرتس" رسیدند). امیر در پیام خود از عدم قصور در قضیه قتل کیوناری به "جنرال رابرتس" اطلاع داده و عاجزانه درخواست نموده بود تا از لشکرکشی به کابل انصراف شود و تعهد نموده بود که عاملین قتل "کیوناری" را مجازات خواهد نمود. "جنرال رابرتس" بعد از اکمالات لازم بتاريخ ۲۷ سپتامبر با قوای ۶۵۰۰ نفری مارش خود را بطرف کابل شروع نمود و بدینترتیب لشکرکشی نظامی انگلیس تحت نام " عملیات انتقام" Operation Revenge آغاز گردید (۲). "جنرال رابرتس" برای آنکه در کشتار و بربریت دست باز داشته باشد، به روزنامه نگاران و گزارشگران جنگ که معمولاً در معیت قوای انگلیس گذارشات روزمره را از اوضاع جنگ تهیه مینمودند اجازه نداد تا لشکر وی را همراهی نمایند (۳). بقول سراج التواریخ "جنرال رابرتس" پیشروی بصوب کابل را موقتاً متوقف نمود ولی "مقارن اینحال سردار ولی محمد خان بنمنای ولایت جمع کثیری از سرداران و بزرگان کابل را در خانه خود انجمن ساخته از راه پذیرائی اردوی انگلیس وارد "خوشی" شد...". (۴). سردار ولی محمد خان امیر محمد یعقوب خان را عامل قتل "کیوناری" دانسته و انگلیسها را بر امیر بیشتر مشتبّه ساخت. امیر محمد یعقوب خان در داخل دربار با دو گروه در مجادله بود: دسته اول سردارانی که یا از خوف انتقام و یا هم در شوق امارت در تلاش بودند تا با انگلیسها رابطه برقرار نمایند و دسته دوم درباریانی که بالای امیر فشار وارد مینمودند تا در برابر انگلیسها اعلان جهاد نماید (داود شاه خان سپه سالار، سردار نیک محمد خان والی کابل، و مستوفی حبیب الله خان)؛ در تحت چنین حالتی امیر نیمه شب سوار بر همان اسپی که انگلیسها در گندمک برایش تحفه داده بودند بالا حصار را "با دوصد سوار و ۴۵ سردار بشمول محمد موسی خان و لبعهد هفت ساله و سپه سالار داود شاه خان" (۵) ترک و خود را در "خوشی" لوگر به کمپ انگلیسها رساند. انگلیسها از امیر محمد یعقوب خان با مراسم گارد تشریفات استقبال نمودند و در داخل کمپ خود خیمه خاص برای امیر بر افراشتند؛ اما چنانی که خود انگلیسها تصدیق مینمایند: امیر "تحت نظارت" بود. امیر نگون بخت همچنان بر بی گناهی خود در قضیه قتل "کیوناری" اصرار میورزید و مصرانه تقاضا مینمود تا در اشغال کابل عجله صورت نگیرد، ولی "جنرال رابرتس" با رد تقاضای امیر واضح ساخت که "اشغال کابل یکروز نیز بتعویق نخواهد افتد" (۶). چون عملیات نظامی انگلیس با شتاب صورت گرفته بود، بناءً تا هنوز تصمیمی راجع به سرنوشت زعامت آینده افغانستان اتخاذ نشده بود و چنانی که Howard Hensman در یادداشت های روزمره خود اظهار میدارد: "اعتماد ما بالای امیر تا هنوز به آن مقیاس متزلزل نگریده است که تحمل یک رقیب [منظور ولی محمد خان] توجیه گردد". هدایات "لارد لیتن" نیز چنان بود که تا حد امکان از امیر باید کار گرفته شود (۷). بناءً "رابرتس" از موجودیت امیر محمد یعقوب خان در معیت لشکر خود بهره برداری سیاسی نموده و در اعلامیه های خود چنان نشان میداد که گویا لشکر انگلیس به دعوت و جهت حمایت امیر به کابل میرود. "جنرال رابرتس" یک قسمت قوای خود را در "زرغون شهر" و تعدادی را در "سفید سنگ" گذاشت و با وجود جنگهای شدید و شبیخون های پی در پی اقوام غلجائی و منگل به حرکت خود بطرف کابل ادامه داد و بتاريخ ۶ اکتوبر به منطقه "زید آباد" رسید و دریافت که قوای افغانی در اطراف "چهار آسیاب" استحکامات برپا نموده اند. Howard Hensman در یادداشت های خود ذکر مینماید که: "با آنکه وی [امیر] برای ما اطمینان داده بود که در چهار آسیاب مقاومتی در برابر ما صورت نخواهد گرفت، ولی باور ما چنین است که سردار نیک محمدخان در کمپ ما با

وی [امیر] دیدار نموده بود و برای وی [امیر] گفته بود که قوای افغانی آمادهٔ مقابله با انگلیسها هستند و از امیر تقاضا نموده بود تا از انگلیسها ببرد و زعامت قیام ملی را بدوش بگیرد (۸). "قراری که بعداً روشن گردید، چهار غنڈ قوای عسکری که جهت سرکوب اغتشاش به بدخشان فرستاده شده بود به سرعت به کابل فراخوانده شده و برای مقابله در برابر انگلیسها سنگر بندی نموده بودند. قوای "رابرتس" مرکب از ۳۸۰۰ سواره و پیاده، دو ماشیندار تقیل "گتلینگ"، شانزده توپ، و شش هزار افراد باربر و مستخدم بود. قوای مدافعین افغانی بین هشت تا ده هزار تخمین میشود که مرکب از یازده (و یا هم سیزده) غنڈ منظم عسکری و متباقی قوای قومی بود. قوای امیر لباس عسکری نصواری تیره رنگ با فیتته های سرخ و قوای قومی پیراهن و تنبان سفید رنگ (به رسم فدائیان) به تن داشتند که هر قوم بیرق های خاص خود را با رنگهای سرخ، سفید، نیلگون، و زرد رنگ حمل مینمودند. قوای افغانی از جمله بیست تویی که از شیرپور با خود آورده بودند دوازده آنرا بر تپه های مدخل "سنگ نوشته" تعبیه نموده و متباقی را در یک خط حدود سه و نیم مایل تا تپه های مشرف به چهاردهی سنگر بندی نموده بودند. قومندانی عمومی قوای افغانی را سردار نیک محمد خان کاکای امیر و والی کابل به عهده داشت. جنگ به ساعت یازده و نیم صبح ۷ اکتوبر با تعرض انگلیسها آغاز گردید. مدافعین افغانی با شدت میجنگیدند و با آنکه در موقعیت برتر قرار داشتند ولی از قومانده و نظم عسکری برخوردار نبودند و همین باعث گردید که تا ساعت پنج شام تمام مواضع قوای افغانی به دست قوای انگلیس بیافتد؛ بقول سراج التواریخ: "آخراً امر گروه اسلام را از کثرت بمباری اتواب انگلیسان پای ثبات و استواری لغزیده از راه هزیمت داخل کابل شدند...."

فردای آن، تاریخ هشت اکتوبر، "جنرال رابرتس" بدون کدام مقاومت خاصی وارد کابل گردید و ابتدا در "بینی حصار" کمپ بر پا نمود و بفرمای آن کمپ خود را بر فراز تپه های "سیاه سنگ" و "مرنجان" انتقال داد. بتاریخ سیزده اکتوبر قوای انگلیس در داخل شهر کابل مارش ظفر برپا نمودند.

طریق ارسلائی - ایالت ویرجینیا، امریکا

۱- ۶۴ Maiwand by Edmond York, p

۲- اکثر مؤرخین انگلیس واقعات جنگ دوم افغان و انگلیس را بحیث دو جنگ جداگانه ذکر میکنند که اولی تحت نام عملیات نظامی "اهانت به ملکه" و دومی بنام عملیات نظامی "انتقام"، براه انداخته شدند. یعنی میان افغانها و قوای استعماری انگلیس در واقعیت چهار جنگ واقع گردیده است. البته این نوشته شرح مکمل جنگ دوم افغان و انگلیس نیست.

۳- مورخین و وقایع نگاران بشمول Brian Robinson نویسنده کتاب The Road to Kabul شهادت میدهند که جنرال رابرتس تنها Hensman Howard نویسنده کتاب The Afghan War of ۱۸۷۹ را باخود به کابل برد تا شدت عمل جنرال رابرتس را پرده پوشی نماید و گذارشات جعلی را به نفع وی تهیه کند.

۴- سراج التواریخ، ص ۳۵۳. منابع انگلیس این رویدادها را به این شکل درج نموده اند: بتاریخ ۲۳ سپتامبر نمایندگان امیر محمد یعقوب خان حاوی پیام وی در "علی خیل" بنزد "رابرتس" رسیدند. قوای پیشقراول انگلیس تحت قومنده "جنرال مسی" از "علی خیل" حرکت نموده و در "زرغون شهر" کمپ بر پا نمود، سردار ولی محمد خان در "زرغون شهر" در نزد "جنرال مسی" رسید. "جنرال رابرتس" با متباقی قوا حرکت نمود و بعد

از توقف در زرغون شهر "جنرال پکر" را بطرف "خوشی" فرستاد و سردار ولی محمد خان را با "جنرال مسی" در "زرغون شهر" گذاشت و خود نیز بطرف "خوشی" حرکت کرد. زمانی که "رابرتس" در "خوشی" رسید دریافت که امیر محمد یعقوب خان به کمپ انگلیس رسیده است.

۵- غبار: افغانستان در مسیر تاریخ، ص ۶۱۳

۶- The Afghan War of ۱۸۷۹ by Hensman Howard, kindle version p۳۷۶

۷- فرهنگ: افغانستان در پنج قرن اخیر، ص ۲۴۴

۸- The Afghan War of ۱۸۷۹ by Hensman Howard, kindle version p۸۱۴

ادامه دارد

